

دیدگاه هنگامه ها هنگامه های دوگانگی جنسی

محمد مهدی خدیوی زند

چکیده

واژه هنگامه^۱ دیدگاه مرا درباره فضاهای بالینی دربر دارد. فضای بالینی فضایی است که میان یک انسان با انسان دیگر و یا یک انسان با چیزها، در واقعیت‌ها، رمزها و رویاها تشکیل می‌شود.

کوچکترین واحد تشکیل دهنده فضای بالینی را هنگامه نامیده ایم. با همی چند هنگامه را مجتمع می‌گوئیم.

هر هنگامه مجتمع تلاشهایی است که در فضاهای بالینی پیدا می‌شود: حرف‌ها، آواها، واژه‌ها، نگاهها، لبخندها، نشست‌ها، برخاست‌ها، فریادها، سکوت‌ها، ... هر یک تلاشی است و هر تلاش هنگامه‌ای برپا می‌کند.

هنگامه‌ها پویا هستند: پیوسته در افزایش و کاهش اند، گستردگی و ژرفا می‌یابند، خود را می‌سازند، پردازش می‌کنند، درهم و با هم می‌گردند، یکباره درهم می‌ریزند و از نو ساخته می‌شوند.

تلاشهای هنگامه‌ساز در فضاهای واقعی، رمزی، رؤیایی و رویاپردازی، در خیالها و آرزوهای دور، نزدیک و آینده هستی می‌یابند ...

^۱ برای واژه هنگامه معادل Incidences را انتخاب کرده‌ام با اینهمه تا بحال واژه‌ای که بتواند گستردگی، ژرفا، سرشاری، پویایی هنگامه را برساند پیدا نکرده‌ام. ترجیح می‌دهم که در ترجمه متن آن را با معادل پیشنهادی بکار ببرم، همان کاری که مترجمین ما با واژه‌های بنیادین دیدگاه‌ها می‌کنند.

هر یک از ما، در هر گام و در هر نشست و برخاست از خود، با خود و در خود هنگامه‌هایی را برپا کرده‌ایم و می‌کنیم و با آنها رفتارها، گفتارها و حالت‌های خود را می‌سازیم.

در دو دهه گذشته هنگامه‌ها و تلاشهای هنگامه ساز را در مراجعینم: زنها، مردها، دختران، پسران، زوجها، خانواده ها، پیران و جوانان، کودکان و بزرگسالان، مادران و پدران مشاهده کرده‌ام به پرسش گذاشته‌ام. کوشیدم تا پاسخی برای چگونگی آنها دو افسردگیها، دلهره ها، غمها، شادیها، انحرافها و اختلالهای جنسی و رفتاری، اعتیادها، رنجها و دردها، شکست‌ها و ناکامیها و ... پیدا کنم، برای نمونه در این گزارش هنگامه های دوگانگی جنسی را پژوهش کرده ام، و به چند پرسش بنیادی پاسخ داده ام:

- خاستگاه هنگامه‌ها و تلاشهای دوگانگی جنسی کجاست؟

- هنگامه‌های دوگانگی جنسی چگونه آسیب دیده و آسیب زا می‌شوند؟

- سلامت و بیماری هنگامه‌ها را در دوگانگی جنسی با چه نشانه‌هایی می‌توان شناخت؟

- برای سلامت بخشی هنگامه‌های آسیب دیده چه می‌توان کرد؟

از هزاران مراجع، دو مورد از هنگامه های دوگانگی جنسی را نمونه می‌آورم پاسخها و برداشت هایم را گزارش می‌کنم، گستردگی و ژرفای دیدگاهم را روشن می‌سازم.

Incidence Paradigm Bisexual Incidences

Abstract:

Concept of incidence illustrates my views on specio-clinical ecologies clinical ecology is an incidence which occurs between a human with other human. Human and objects, symbols and dreams the smallest unit of the clinical-specio ecology is termed incidence. Interconnection of several incidence is termed a complex. Every incidence is combination of efforts which is found in clinical ecologies. Words, pheromes concepts, smiles, sitting, moving, crys, silences, all constitutes incidences.

Incidence are dynamic, continuously they are in elaboration, extension, and an abridging form, they become deep, intensive, and generation self generation, and recreation unifying, and reviving.

Efforts constituting emittips of actual incidences symbolic incidences, dream-like incidences, phantasi sing, dreaming, aspirations, all can be summed under the rubric of incidences. Each of us share in constituting incidences in coming to this

hall, sitting, walking, and talking with each other.
 In the past two decades I have witnessed incidences all of my clients in women, men, girls, boys, spouses, families, adolescents, adults, children, and parents. I have questioned these incidences, and I have made an everlasting effort to find answer for them. This answer finding efforts has been reflected in searching on their special states including depression, anxiety, phobias, pains, happy and hopeful moments, I have encountered the following questions.
 What is the origins of these incidences, and psychological endeavours.
 How incidences become pathological, and patologizing?
 What are sign, and symptoms of healthy and unhealthy incidences?
 How can we remedy the pathological incidences?
 What are healthy and unhealthy incidences and, what is the procedure for effective treatment?
 I have sampled from thousands of cases just two important and crucial case illustrating bisexual incidences, and I will elaborate my responses, understandings, and my views about them.

مورد «۱»

مرد جوانی دستخوش دوگانگی جنسی است.

حالت ها و رفتارها:

می گوید: ولی مردم مغرم زن است، ...! اگر پیغمبر هم بگوید مردی می گویم زنم! اجتماعی هستم، مهارت خاصی دارم که می توانم پسرها را گول بزنم جذب خودم بکنم. در مهمانی ها شادم، فکر می کنم پسرها حرف مرا نمی فهمند ولی دخترها از جنس خودم هستند حرف مرا می فهمند.

در خانه به تنهایی آرایش می کنم ولی قبل از آنکه کسی بیاید آنرا پاک می کنم. از مردها و پسرها خوشم می آید، با آنها دوست می شوم. بیرون می روم، تفریح و خوشی می کنم، اگر موقعیتی پیش آید حرفی ندارم که با آن پسر رابطه جنسی داشته باشم، احساس زن بودن می کنم.

پدر: بخاطر کاریکه داشت کمتر حضور فیزیکی در خانه داشت فرزندانش او را در آخرین لحظات شب با نگاهها و تن صدای خسته و خشمناک می دیدند.

مادر: وقتی وارد کارگاه رواندرمانی شد زنی میان سال پوستی و چهره ای گل بهی داشت. سالم با حرکات و گفتاری دخترانه سخن می گفت. در هنگام ورود و خروج آشنا،

بی پروا پرناز گام برمی داشت، اولین گامهایش ورود یک بالرین را به خاطر می آورد، بیش از حد به مخاطب نزدیک می شد، چشمان شفاف و نگرانش سرشار از اشک بود، با صدای لرزان در حالیکه سرش را گهواره وار تکان می داد در فاصله ای کوتاه از وضع و حال فرزندش می پرسید، سرش از شدت نگرانی تکان می خورد. جوان در روابطش با مادر می گوید: "همیشه پیش مادر هستم با او خیلی حرف می زنم، اگر من در خانه نباشم می گوید دلم می گیرد اگر هر روز چند ساعت با مامانم حرف نزنم دلم آرام نمی گیرد او می گوید دوست دارد با من حرف بزند، اخلاقت خوب است به ما فشار نمی آورد.

مشاغل و هنر و تحصیلات

در دوران تحصیل از مدرسه پسرها بدم می آمد دوست داشتم در مدرسه دخترانه بروم و هم درس دخترها باشم.

در هنرها سفالگری، گلسازی، نقاشی و خیاطی را دوست داشته ام و دارم و آثاری بوجود آورده است شعر هم می گوید.

مسائل جنسی:

نظافت و حمام از کودکی با پدر بوده است. نگاه و توجه به آلت جنسی مردانه اتفاق افتاده در سنین بچگی قبل از دبستان با چند پسر بزرگتر از خود آلت نمائی میکرده است. از عکسهای عریان زنانه بدش می آمده و برعکس، عکس مردها برایش خوش آیند بوده است، و با دیدن آنها احساس برانگیختگی شهوی دارد. تا به حال احساس اینکه کسانی از جنس مخالف او را دوست دارند داشته است. ولی او احساس نکرده دختری را دوست دارد.

دیدن مردهائیکه لباس تنگ می پوشند برایش شهوت انگیز است .

از سن ۱۴ سالگی با پسرهائیکه از او بزرگتر بوده اند تماس جنسی داشته است تا دخول کامل ولی رابطه از جلو و زنانه را بیشتر دوست داشته و ارضاء می شده است.

خوابها:

«خواب دیدم که من یک بچه برای یکی از فامیل (دائی) بدنیا آورده ام و می دیدم که

دارم آرایش می‌کنم.»

«با دختر عمه‌ام رفته بودم بیرون، مدام به او چسبیده بودم و او را رها نمی‌کردم او یک دسته گل برایم خریده بود.»

«یک نفر دزد یک بچه را گروگان گرفته بود، آزاد نمی‌کرد. تا اینکه یک روز صدای روضه‌خوانی را شنید گریه‌اش گرفت و بچه را آزاد کرد.»

در آزمونها:

۱- در آزمون داستانهای تکمیل کردنی

وابستگی دخترانه و بچگانه به مادر دارد. در رابطه با زنها مثل یک دختر بچه دلبستگی نشان می‌دهد. از جدائی آنها ناراحت می‌شود. از سخن گفتن درباره ازدواج و عروسی خوشحالی و ترس دارد.

در رابطه با پدر و تنها بودن با او می‌ترسد در عین حال می‌خواهد مورد توجه او باشد. اوهام حاملگی و بچه‌دار شدن با تخیلاتی از دستگاه جنسی مردانه دارد. ترس و وسواسی از مرگ و احساس گناه از سرنوشت دارد.

۲- در آزمون پرخاشگری و ناکامی:

بروز پرخاشگری متناوب، دوام نیاز در ناکامیها و انتظار وسواسی کامیاب شدن و برآورده شدن خواسته‌های ناکام شده را نشان می‌دهد.

۳- در آزمون رورشاخ:

اوهام زنانه مورد تجاوز و حمله قرار گرفتن.

اوهام شکار کردن و شکار شدن بوسیله دیگری

نیاز به مورد حمایت و دستگیری و احساس خوشحالی از حمایت دیگری

اوهام زور آزمائی زنانه و احساس فشار دادن و مورد فشار بودن در روابط جنسی

تعبیر و تفسیرهای بچه‌دار شدن و شیر دادن، زن باردار بودن.

اضطراب و پرخاش و ترس از وضعیت دوگانگی جنسی و از اینکه مورد حمله و تجاوز قرار بگیرد.

۴- آزمون خویشتن پنداری فردی و اجتماعی:

فکر می‌کنم بچه‌ام و دیگران هم مرا بچه نه می‌پندارند، بد اخلاق نیستم در جمع زود خو می‌گیرم، وقتی دیگران از ماشین و خانه حرف می‌زنند، توی فاز دیگرم هستم: از مد لباس، موی سر، لوازم آرایش حرف می‌زنم. در ارزشهای خود و بروز عواطف دچار دوگانگی می‌شود از یک سو مغرور و از خود راضی است. و از سوی دیگر خنده رو و اجتماعی است.

برداشتها

در وضعیتها و شرایطی چند در ساختن و پرداختن او هام دوگانگی بیشترین اثر را داشته است:

همانندسازی با مادریکه با ویژگیهای یاد شده مدت ۱۷ سال در خواب و بیداری با او بوده است و از عواطف گرم خود نسبت به او سخن می‌گفته است و از جدائی او ناراحت می‌شده است.

مشاهده‌های خردسالی دستگاه جنسی پدر و صحنه‌های آمیزش، در اطاق خواب و در رویارویی پدر و مادر بویژه عشوه‌گریهای مادر.

تجربه‌های جنسی از دستگاه جنسی مردان در کودکی و شروع آمیزش‌ها و بازیهای جنسی از کودکی و نوجوانی تاکنون.

مورد «۲»

دختر جوان دارای حساسیتهای دوگانگی جنسی

مجتمع خانوادهای ۷ نفری که ۵ نفر آنها زن بوده‌اند. تمام خانواده درگیر با دوگانگی جنسی شده‌اند.

آخرین دختر خانواده، و در فاصله‌ای کوتاه با مشاهده نتایج مطلوب درمان تک تک افراد خانواده تمایل به مراجعه داشتند.

هنگامه های مجتمع خانواده

در گزارشنامه مشترکی که از رفتارها و حالتهای اعضای خانواده تهیه کردیم وضعیت های دوگانگی آشکار شد:

- پرخاشگری دائم، دوام نیازهای ناکام شده، دوگانگی و تناوب در بروز رفتارها و حالتهای گاهی با داد و فریاد و حمله و گاهی با سکوت.

- شتاب و زیاده خواهی، تمایلات تمام افراد خانواده.

- ناسزا و متلک گوئی و تکه پرانی در گفتگوهای عادی مجتمع خانواده.

- دوگانگی در ابراز عواطف به تعبیر خودشان. "بدل عزیز و به چشم یکدیگر خوارند"

و این وضعیت در پدر و مادر بیشتر است: گاهی خشن و سخت گیر و گاهی مهربان و سهل انگار، ضعیف و کم اراده رفتار می کنند.

- دوگانگی در پذیرفتن و نپذیرفتن ارزشهای شخصی و اجتماعی خود: از پندارهاییکه

از خویشان دارند سرفراز و از پندار اجتماعی و نظر دیگران درباره خود اضطراب و ترس دارند.

- دوگانگی در بروز رفتارهای بچگانه و بزرگسالی

- دوگانگی در ابراز خواسته ها بویژه تمایلات جنسی گاهی پرشتاب و زیاده خواه و

گاهی سرد و کم میل.

- دوگانگی و تناوب در خود ارضائی در یک دوره زیاد و شدید و در یک دوره کم و

بی اعتنا.

- دوگانگی در وابستگی و استقلال خواهی: گاهی می خواهند در کنار یکدیگر باشند،

گاهی از همه فرزندان تجربه طولانی در کنار مادر و پدر خوابیدن ۶ تا ۹ و ۱۲ سالگی و در عین حال طرد شدن دارند.

- دوگانگی در تعبیر و تفسیر حالتها و رفتارها گاهی احساس مورد حمله قرار گرفتن

و شکار و تسخیر دیگران شدن و گاهی احساس مورد حمله قرار دادن، تسخیر کردن، شکار کردن، خشن بودن و مورد خشونت قرار دادن دارند.

هنگامه های باید و نباید

مراجعه، که بیشترین آسیب دیدگی را از دوگانگی جنسی داشت از آنچه در کل مجتمع

خانواده در موضع گیری امر و نهی، تهدید و تجیب، می گذشت، حکایت کرد:

- باید و نبایدهای پدر و مادر، برادر بزرگم همیشگی بوده است از کوچکی می گفتند: باید جلف نباشی، دختر نباید بلند بخندد، نباید روی دوچرخه سوار بشود، نباید بلند حرف بزند... ولی من همه این کار را بدتر می کردم.

- همه می گفتند نکن. نباید با پسرها بازی کنی... نباید جاتیکه پسر است شب بمانی، نباید موهایت دیده شود، نباید آستین کوتاه بپوشی، نباید در ماشینی که پسرها هستند، بشینی، نباید با آنها بازی کنی، نباید کنار یک مرد بنشینی... گناه دارد.

دور من با پسرخاله و پسرعمه ام دیوار کشیدند، مثل یک مجرم که نباید از خط قرمز عبور کند.

یک زمان نبود که از باید و نباید خانواده آزاد باشم، در ۱۰-۱۲ سالگی ۴ پسر خاله داشتم دو تا بزرگتر دو تا کوچکتر، همیشه منع می شدم که نباید با آنها بازی کنم یکبار آنها را بردم پارک خیلی خوش گذشت ولی همه مرا منع کردند، اگر برای یک خرید بچگانه با هم می رفتیم از طرف مادر بزرگ و خاله ها مأخذ می شدیم.

وقتی می خواستیم برویم خانه خاله مادرم اجازه می داد پدرم نهی می کرد سیزده بدرها پسرها توی یک ماشین دخترها هم در یک ماشین.

بزرگترها همیشه با نگاه و اخم و تخم حرکات ما را زیر نظر داشتند و ادب می کردند حتی نمی توانستیم احوال پرسی زیادی با پسرها بکنیم.

- تا بابام نبود، تا در ده سالگی بدون چادر بودیم ولی او می آمد چادر می پوشیدیم ما دخترها برعکس از ۱۴ سالگی تیپ می زدیم من خودم بعد از گرفتن دیپلم انقلاب کردم لباس گشاد را کنار گذاشتم لباس پسرانه بولیز و شلوار تنگ می پوشم. الان وقتی امر و نهی می کنند به حرف نمی کنم اما در خودم ناراحتم، در دانشگاه وقتی با پسرهای کوچکتر از خودم هستم راحتم ولی با بزرگترها احساس گناه و عذاب می کنم.

خوابها: دوگانگی در رفتارها و حالت‌های جنسی^۱

- خواب دیدم مراسم ازدواجم است، ولی هیچکاری نشد، در تردید بودم عروسی بکنم، یا نکنم در خواب هیچکس به من کمک نمی‌کرد.

- خواب دیدم دستهایم مو دارد، نباید عروسی بکنم، می‌خواهم بروم آرایشگاه ولی نمی‌روم، بروم، نروم، فکر می‌کردم دست و پایم مو دارد نباید عروس بشوم.

- در خواب پشت فرمان ماشین دارم مسابقه می‌دهم، ماشین دور خودش چرخید، ایستاد، دیدم سالم است. ولی راه نمی‌رود، احساس گناه می‌کردم نباید سوار می‌شدم نباید تند می‌رفتم...

- در بیداری این خوابها واضح و روشن بودند، فکر می‌کردم واقعیت دارند، وحشت به من دست می‌داد.

پشت

دچار تردیدهای وسواسی شده‌ام: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- خواب دیدم حوله حمام کثیف است، یک نفر پشت پنجره است می‌خواهد بیاید بالا ولی نمی‌آید. دوست دارد ولی می‌افتد، می‌خواهم ببینمش ولی می‌ترسم.

پسری که دوستش دارم و ندارم: ناسزاها نیکه نتارش می‌کنم: پسر از خود راضی، سنگدل، هیچ چیز برایش مهم نیست لجم را در می‌آورد، دوست دارم اذیتش کنم، بازیش بدهم سوار او بشوم، دلش را بسوزانم. پررو، زیادیش میشه....

برداشتها

- در مجتمع‌های خانواده باید و نبایدها، امر و نهی‌های در ارتباط با جنس مخالف، زیاد است و تکیه به امر و نهی باید، نباید به رفتارها و حالت‌ها پسرانه وقتی با شدت تکرار شود اثر

^۱ در دیدگاهی که از هنگامه های خواب و رویا داریم، آنچه در رویا پیدا می‌شود، حالتها و رفتارها... اشیا و اشخاص نمودی از بخشها و تمایلات از هستی رویا پایین است، که به صورت رمزی آفریده است..

معکوس دارد در دخترها آن حالت یا رفتار را تثبیت و تشدید می‌کند. و زمینه ساز دوگانگی جنسی می‌شود.

- در مجتمع‌ها هر چه در باید و نبایدها و امر و نهی‌ها میان بزرگترها اختلاف نظر و عمل باشد میزان آسیب‌زانی آنها بیشتر می‌شود و همانندی یک جنس را با جنس مخالف افزایش میدهد.

- در مجتمع‌ها نیروی واپس زده جنسی بطور غیرمستقیم با پرخاشگری، ناسزاگوئی، بهانه‌گیری، قهر، گریستن ارضاء میشود.

- هر یک از افراد بزرگتر یک مجتمع نسبت به فرد کوچکتر بیشترین تهدید یا تحیب روا داشته باشد در بروز حالتها و رفتارها دو جنس‌گرایی به او شبیه‌تر می‌شود.